

دو فصلنامه ادیان و عرفان تطبیقی
سال چهارم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (صص ۱۸-۱)

آیین زرتشت: جهانی یا قومی؟

سید محمد حاجتی شورگی^۱ - حسین نقوی^۲

چکیده

از مسائل بسیار مهم در بحث ادیان، جهانی یا قومی - نژادی بودن ادیان زنده جهان در عصر حاضر است. برخی ادیان مانند یهودیت، تصریح به قومی - نژادی بودن آنها شده، از سوی دیگر، پیامبر برخی ادیان مانند پیامبر اسلام، رسالتش جهانی بوده است. آیین زرتشت، از ادیانی است که مسأله جهانی یا قومی بودن رسالت پیامبر آن در این نوشتار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نوشتار حاضر با استناد به متون دینی زرتشتیان و استفاده از دیدگاه پژوهشگران به ویژه نویسندگان زرتشتی، به ذکر و تحلیل دو دیدگاه کلی و جامع موافقان جهانی یا قومی و نژادی بودن آیین زرتشت پرداخته است. پس از تحلیل و بررسی دیدگاه موافقان و مخالفان، دیدگاه برگزیده ارائه شده است. دیدگاه برگزیده، ترکیبی از مستندات درون دینی زرتشتی و شواهدی از منابع اسلامی به ویژه قرآن و حدیث است. مجموع اسناد و شواهد، از قومی - نژادی بودن آیین زرتشت حکایت دارد و گواه این است که پیامبر ایران باستان، رسالتش جهانی نبوده است.

واژه‌های کلیدی: آیین زرتشت، پیامبری، جهان شمول، قومی، تبلیغ.

^۱ - دانشجوی دکتری ادیان و عرفان موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی hajati65@chmail.ir

^۲ - استادیار گروه ادیان موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی naqavi@iki.ac.ir

تاریخ تصویب مقاله: ۹۹/۵/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۱۵

مقدمه:

پیامبران الهی همگی از منظر منصب نبوت و اتصال به عالم وحی با یکدیگر یکسان هستند ولی در عین حال از نظر ملاکات دیگر با هم اختلاف دارند. برخی واجد کتاب و برخی دیگر فاقد آن، گروهی صاحب شریعت و گروهی دیگر پیرو و مبلغ شریعت پیامبر سابق می‌باشند. یکی از تفاوت‌های پیامبران دعوت جهانی یا قومی - نژادی آنان است. برخی از آنان مانند پیامبر اسلام دعوت جهانی دارند و محدود به منطقه خاص یا قومی خاص نبوده بلکه تمام شرق و غرب و جن و انس، زیر پوشش آئین اسلام قرار می‌گیرند. اما دینی مانند یهودیت، نژادی و مختص به قوم بنی‌اسرائیل بوده است.

این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا آیین زرتشت، دینی جهانی و فراگیر بوده یا مختص به قوم و نژاد خاصی است؟
 آیا آیین زرتشت مانند یهودیت، دینی است قومی و نژادی، محدود و از یک قوم و نژاد خارج نشده است یا اینکه مانند دین اسلام رسالت جهانی دارد و همه بشریت را دعوت به آن کرده است؟

درباره پیشینه این تحقیق باید گفت که هیچ اثر مستقل حتی عنوان فصلی از آثار که به این موضوع اختصاص یافته باشد، دیده نشد و می‌توان ادعا کرد که این نوشتار نخستین تحقیق مستقل در این موضوع به شمار می‌آید. سیر بحث بدین صورت است که نخست این مسأله را از منظر متون دینی زرتشتی پیگیری و سپس دیدگاه موافقان و مخالفان جهانی بودن آیین زرتشت را ذکر و بررسی کرده است. بحث پایانی به ارائه دیدگاه برگزیده اختصاص یافته است.

معنای رسالت جهانی

یکی از بحث‌های مربوط به پیامبران این است که آیا رسالت آنان جهانی و عمومی بوده یا هر پیامبری برای گروه خاصی مبعوث شده است. در این باره بین اندیشمندان اختلافاتی وجود دارد. دست کم دو معنا از جهانی بودن رسالت یک پیامبر قابل برداشت است:

۱. مراد از جهانی بودن رسالت یک پیامبر این است که هرکس از آن آگاه شد باید طبق آن عمل کند. بر این اساس بی‌شک رسالت همه پیامبران جهانی بوده است. به تعبیری اگر جهانی بودن را به معنای لزوم ابلاغ رسالت، در صورت مواجهه با دیگر اقوام،

و لزوم پیروی از آن پیامبر بر همه مکلفان مطلع در نظر بگیریم، رسالت همه پیامبران، عام، فراگیر و جهانی بوده است.

۲. مراد از جهانی بودن، ضرورت ابلاغ وحی به تمام مردم جهان باشد، یعنی هر پیامبری که رسالتش این باشد که پیام خود را به همه اقوام و ملل برساند، رسالت او جهانی شمرده می‌شود و در مقابل، پیامبری که موظف است پیام خود را تنها به قوم و نژاد خاصی برساند، دارای رسالت جهانی شناخته نمی‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۴۰۶-۴۱۰) مراد از جهانی بودن یا نبودن آیین زرتشت، همین معنای دوم است.

این نکته نیز قابل توجه است که ادیان برای برخی اقوام بومی و برای برخی دیگر غیربومی است. اسلام برای مردم عربستان، دین بومی و برای مردمانی همچون ایران، عراق و سرزمین‌های دیگر غیربومی است. بودیسم برای مردمان هندوستان، بومی است ولی برای مردم چین و ژاپن غیر بومی است. آیین زردشت برای ایرانیان بومی است که بخشی از آن همراه زردشتیان به هندوستان رفته است و اگر مردم هندوستان به آن گرویده باشند برای آنان این آیین غیر بومی است. مسیحیت برای هیچ ملتی حالت بومی نداشته و از همان آغاز چند ملیتی بوده است. پس بیشتر اقوام و ملت‌های جهان دین وارداتی دارند و بیشتر ادیان بین چند ملت تقسیم شده‌اند. (توفیقی، ۱۳۸۵، ص ۹۵) با توجه به این نکته، روشن می‌شود که امکان دارد دینی مانند اسلام، جهانی باشد ولی برای یک ملت بومی و برای مردمان سایر سرزمین‌ها، غیر بومی باشد.

رسالت جهان‌شمول زرتشت

دیدگاه نخست اینکه آیین زرتشت جهانی بوده و رسالت زرتشت، تمام بشریت را فرا می‌گیرد. با تتبع در متون دینی زرتشتیان، دو شاهد از متون دینی زرتشتیان در تأیید احتمالی بر این دیدگاه یافت شد. نخست این دو مورد از گاهان و دینکرد ذکر می‌شود و پس از آن دیدگاه معتقدان به رسالت جهانی زرتشت می‌آید.

گاهان و رسالت زرتشت

معروف نزد زرتشتیان و زرتشت‌پژوهان این است که تنها بخش کوچکی از اوستا منسوب به شخص زرتشت است که گاهان یا گائها نام دارد و زرتشتیان تنها این بخش را، آسمانی و وحی الهی می‌دانند. سایر متن‌های اوستا گرچه نزد زرتشتیان مقدس است

ولی آسمانی نبوده و سخنان موبدان زرتشتی در سده‌های گذشته است. (خورشیدیان، ۱۳۸۶، ۲۸) با تتبع در گاهان، بند یا بندهایی که تصریح یا ظهور در جهانی بودن دعوت زرتشت داشته باشد، یافت نشد. تنها مورد قابل تأمل، بند سوم از هات ۳۱ گاهان است که ذیل آن به نحوی، اشاره به جهانی بودن آیین زرتشت دارد:

«ای مزدا تو با گفتار خود و به زبان خویش، ما را بیاگاهان از آنچه به هر دو گروه خواهی بخشید و از آن بهروزی که به دستیاری «اشه» و «آذر» مینوی خود نوید دادی و از آن فرمانی که فرزندگان راست، تا من همه مردمان را به گرویدن [به دین تو] فرا خوانم». (ترجمه دوستخواه)

«پروردگارا در پرتو فروغ مینوی بما چه خواهی بخشید؟ آیا آن سعادتتی که در پرتو راستی و پاکی به دست می‌آید و به همه وعده داده شده کدام است؟ در مورد دانایان چه فرمانی داده شده است؟ ای خداوند خرد مرا از تمام این حقایق آگاه ساز و با گفتار الهام‌بخش خود مرا روشن نما تا همه مردم را به آیین راستی ارشاد کنم». (ترجمه آذرگشسب)

آذرگشسب در تفسیر این بند می‌نویسد:

«در آخر سطر دوم و سطر سوم، زرتشت مایل است این حقایق را از راه وحی و الهام خداوندی درک کند تا بتواند مردم را به راه راست و یکتاشناسی هدایت کرده و آنان را به آیین راستی آشنا و ارشاد نماید. این بند نشان می‌دهد که زرتشت با جدیت و کوشش خستگی‌ناپذیر مردم را به دین بهی فرا خوانده و آنها را به راه راست و یکتاپرستی هدایت می‌کرده است. نیز این بند می‌رساند که تبلیغ و ارشاد در دین زرتشت بر خلاف امروز خیلی رونق داشته و وارد شدن به دین زرتشت کاملاً آزاد بوده است». (آذرگشسب، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۲۰)

دینکرد و رسالت زرتشت

با تتبع در متون پهلوی، بندی در دینکرد پنجم یافت شد که سخن از جهانی بودن رسالت زرتشت دارد. این متن پهلوی که دربردارنده پرسش و پاسخ است، در پرسش چهاردهم و پاسخ آن آمده است:

پرسش: «چرا ایزد دین را فقط به ایران‌شهر فرستاد و دیگر مردمان را به آموزش دیوان رها کرد؟ آیا ایزد دیگران را شایسته نمی‌داند یا اینکه نمی‌تواند به آنان دین را بنمایاند؟ (دینکرد پنجم، فصل ۲۳، بند ۱۴، ص ۷۸)

در پاسخ به این پرسش آمده است: «و آفریدگان اورمزد، این دین را نه فقط در ایران شهر، بلکه به همه جهان و برای هر نژادی فرستاد و آن در همه جهان در جایی به صورت خالص و در جایی به اختلاط رواج داده است؛ به صورت مینویی در دانش فطری و راست‌اندیشی و راست‌گفتاری و به صورت گیتی در راست‌گفتاری». (دینکرد پنجم، فصل ۲۴، بند ۱۴، ص ۸۸)

دیدگاه پژوهشگران

از محققان زرتشت‌پژوهی که بر جهانی بودن آیین زرتشت تأکید دارد، مری بویس است که در آثار خود آیین زرتشت را فراتر از منطقه و نژاد می‌داند و رسالت زرتشت را جهانی می‌داند. بویس در کتاب *زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها*، مدعی است که رسالت زرتشت، جهانی بوده ولی توسط پیروان و مبلغان آن، دینی صرفاً قومی و نژادی معرفی شده است:

از آنجا که زردشت باور داشت که خداوند رسالتی برای تمام بشریت بر دوش وی نهاده است. بنابراین وی بایستی آن [گاهان] را با کلامی روشن، بارها و بارها برای مردم عادی وعظ کرده باشد. آموزه‌های وی در میان امتش سینه به سینه و از نسلی به نسلی به میراث نهاده شدند. (بویس، ۱۳۹۱، ص ۴۱)

در طول زمان آن بینش شگرف زردشت در مورد جهانی بودن دینش، به طور قابل توجهی از بین رفت و دین وی به منزله دینی خاص اقوام ایرانی به شمار آمد. (همان، ص ۳۷)

کیش زردشتی قدیم‌ترین دین جزمی تبلیغی جهان است؛ ولی نیروهای مختلفی برای محدود کردن فعالیت مبلغانش تلاش کرده بودند تا آن را به دینی صرفاً قومی تبدیل کنند. (همان ص ۱۳۰)

بویس در کتاب *منابع مکتوب زرتشتی* نقل می‌کند:

مورخانی بوده‌اند که به این نتیجه دست یافته‌اند که دوران دین زردشتی، همانند بسیاری از ادیان ایران باستانی دیگر به سر رسیده و این دین بطور آهسته در حال از بین رفتن است. چنین کج‌فهمی از اینجا ناشی می‌شود که دین زردشتی را به صورت دینی فرقه‌ای و متعلق به یک دسته خاصی از مردم می‌شمارند. مفاهیم موجود در آموزه‌های زردشت کاملاً جهانی و همگانی است و امر و فرمان اخلاقی اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک بدون شک زمان‌مند نیست. (همو، ۱۳۹۳، ص ۲۳۰)

البته بویس در کتاب چکیده تاریخ کیش زرتشت متذکر می‌شود که اشاعه و نشر آیین زرتشت، تنها در میان ایرانیان بوده است. وی می‌نویسد:

این کیش که پیامبر ایرانی بنیاد گذارد به گونه‌ای انحصاری در میان اقوام و طوایف ایران راه یافت و نیازی ندید که برای سازگاری با باورها و رسوم مردم دیگر نژادها و فرهنگ‌ها، متحمل تطبیق دادن‌ها و تعدیل‌های شدید شود. بخصوص که رشد و نمو آن کیش در دوره با اهمیت اوستای متاخر، منحصراً در میان طوایف و قبایل شرق ایران صورت می‌گرفت. (همو، ۱۳۷۷، ص ۱۶۷)

با توجه به متون بالا، روشن می‌شود که بویس بر این نظر است که خداوند رسالتی برای تمام بشریت بر دوش زرتشت نهاده است ولی در عمل منحصر در اقوام و طوایف ایرانی شد.

فرهنگ مهر، نویسنده زرتشتی، نیز مدعی جهانی بودن رسالت زرتشت بوده و می‌نویسد:

دین زرتشتی، دینی جهانی است و با پیشرفت و مسائل جدید همراهی می‌کند. در دین زرتشت امر یا نهی، غالباً کلی است و نه موردی. دستور رعایت سلامت و بهداشت تن و روان کلی است. (مهر، ۱۳۷۴، ص ۱۵۹)

در گات‌ها، پذیرش دین، یک امر شخصی است و مبنی بر اختیار است. بنابراین هرکسی در صورت تمایل، می‌تواند آیین زرتشت را انتخاب کند. (همان، ص ۱۵۸)

گات‌ها، راه خوب زیستن را به همه مردمان، صرف نظر از جنس، مذهب و نژاد می‌آموزد. گات‌ها وابسته به زمان و مکان معینی نیست. گفتارها و اندرزهای آن کلی، مطلق و ابدی است و در آن هیچ امری، موردی نیست؛ مثلاً درباره روزه گرفتن، یا مالیات به نرخ معین دادن یا به زیارت مکان‌های مقدس رفتن، حکمی در گات‌ها وجود ندارد از این رو محدودیت‌های دست و پاگیر زمان و مکان و یا مقتضیات ویژه اقتصادی، فنی، یا سیاسی، مشکلی به وجود نیاورده و در ابدیت آن خدش‌های وارد نمی‌کند. (همان، ص ۳۵)

از موبدان عصر حاضر، کورش نیکنام است که در کتاب زرتشت و مزدیسنان، به ادعای جهان شمولی آیین زرتشت و عدم اختصاص آن به تیره و قوم خاصی پرداخته است. (نیکنام، ۱۳۹۹، ص ۱۰۱، ۲۱۶ و ۳۴۹) وی در توضیح جهان شمولی دین زرتشت می‌نویسد:

«دین زرتشت، جهان شمول است به چمار «معنای» این است: همه کسانی که در جهان پیرو راستی بوده، شادی و سازندگی را پیشه گرفته اند، به خردورزی روی آورده- اند و کوشش می‌کنند تا خوشبختی خود را در خرسندی دیگران جستجو کنند، به اختیار و آزادی مرتوگان (بشر) اندیشه دارند، به تازگی می‌اندیشند و از پندارهای نادرست و خرافی پرهیز می‌کنند، از جنگ و خونریزی بیزارند و آرمان‌شان مهربانی و آرامش و شادی جهانی است... همه و همه از فرهنگ دین و رفتار زرتشتی نیز بهره و توشه دارند و این شیوه از زندگی برای تیره (قوم)، نژاد و مردم ویژه‌ای در جهان پیش- بینی نشده بلکه «جهان فراگیر» است. در سرودهای زرتشت (گاتها) نه تنها به تیره آریاها بلکه نیکی ورزیدن به مردم جهان سفارش شده است». (نیکنام، ۱۳۹۹، ص ۴۴۴)

برخی نویسندگان تصریح کرده‌اند که «رسالت او برای همه مردمان جهان است هر دو گروه راستان و ناراستان. زرتشت پیامبر یک قوم و گروه خاصی نیست و حتی برای کسانی که جهان را بر طبق تعالیم غلط و گمراه‌سازنده به تباهی کشند، وظیفه راهنمایی و آموزگاری دارد». (آشتیانی، ۱۳۷۱، ص ۲۵۷)

پایان این بخش به ذکر دیدگاه مؤلف کتاب *پارسیان اهل کتابند* اختصاص یافته است. در این کتاب آمده است: «دین زردشت بی‌شک در اوایل امر تمام ملل و اقوام مختلفه را می‌پذیرفت و مقصد اصلی او در مرحله اول، تشریف به این دین بود. حواریین زردشت به اطراف و اکناف عالم پراکنده شده در نشر و اشاعه تعالیم مقدسه مزدا کوشیده بلکه دیوپرستان آن عصر را ترغیب و تحریص می‌کردند». (رضوی، ۱۹۳۶، ص ۱۰۴)

حاصل آنکه بنابر نظر این دسته از پژوهشگران، رسالت زرتشت جهانی بوده است نه قوم و نژادی خاص.

رسالت محدود زرتشت

دیدگاه دوم در این زمینه که شواهدی آن را پشتیبانی می‌کند، رسالت زرتشت را محدود به قوم و نژادی خاص می‌داند. شواهد این ادعا عبارتند از:

۱. از دلایل مهم جهانی نبودن رسالت زرتشت، تأکید بر قومیت و نژاد در آیین زرتشت است. میستری، موبد دانشور زرتشتی، ادیان را به ادیان کلاسیک و ادیان رمانتیک تقسیم می‌کند. در ادیان کلاسیک، قومیت بسیار مهم است و شخص بایستی در همان دین متولد شده باشد. قومیت مانند کارت شناسایی است و فرد

برای عضویت در آن دین، نیاز به این کارت دارد. بنابراین هویت نژادی، مهم‌ترین ویژگی ادیان کلاسیک است. یهودیت، دین زرتشت و آیین هندو، جزو ادیان کلاسیک هستند. دین اسلام و مسیحیت، جزو ادیان رمانتیک هستند. در ادیان رمانتیک، هویت نژادی مهم نیست. شخص می‌تواند اهل هند، اروپا، آمریکای جنوبی و یا هر جای دیگر باشد و مسیحی یا مسلمان شود. (میستری، ۱۳۸۷)

از نظر پارسیان تنها فرزندان که پدر و مادر هر دو زرتشتی باشند، می‌توانند وارد دین زرتشتی شوند. (یاماوچی، ۱۳۸۳، ص ۴۳۷) در میان زرتشتیان سنتی خارج از ایران، برخی از موبدان بزرگ مخصوصاً جاماسپ آسا، کوتوال و میرزا برآند که اگر کسی یکی از والدینش غیرزرتشتی است، نباید در جامعه زرتشتی پذیرفته شود؛ زیرا اراده خدا بر این تعلق گرفته که شخص در یک دین خاص متولد شود و تغییر دین مخالفت کردن با «سرنوشت» است و منجر به تعارض میان خود شکل یافته و خود در حال رشد می‌شود که خود آسیب روان‌شناختی در پی دارد. (هینلز، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳)

نظیر زرتشتیان، دروزیه در لبنان و صابئان ایران و عراق هستند. از نظر این ادیان، کسانی که شایستگی ورود به آن دین را داشته‌اند، از طریق تولد در خانواده‌ای که این دین را داشته است، به آن دست می‌یابند. (توفیقی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۰) قوانین و رسوم خاصی همچون کشتی بستن، پوشیدن سدره و خویدوده یا ازدواج با نزدیکان، دین زرتشتی را از لحاظ تأکید بر هویت قومی ویژه و متفاوت با دیگران بیشتر به دین یهودی مشابه می‌سازد و مانع گسترش این دین در میان سایر اقوام شده است. (ژینیو، ۱۳۸۰، ص ۲۴۰)

زرتشتیان بر این عقیده‌اند که دین تا اندازه‌ای مسئله‌ای نژادی است و هر نژادی باید دین خود را نگاه دارد. پس مراسم مربوط به نقاط عطف زندگی، تنها برای زردشتیان پارسی یا ایرانی است و امکان تشریف به اجتماع پارسیان به هیچ وجه وجود ندارد. از این رو بیشتر موبدان نمی‌پذیرند که فرزندانشان با هیچ شخصی خارج از جامعه زرتشتی ازدواج کند. (هینلز، ۱۳۹۳، ص ۹۹) تا نسل پیشین موبدان در درون خاندان خود ازدواج می‌کرده‌اند و حتی دختران خود را به ازدواج عامه مردم نمی‌دادند. (مزدآپور و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۴۶) گفتنی است در آیین زرتشت، ازدواج با کسی که آیین دیگری دارد، روا نیست؛ زیرا چنین ازدواجی به خصومت و نزاع در اخلاق و خوی و عادات، آلودگی خون و اختلاف عقیده منجر می‌گردد. (شاهرخ، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳)

چوکسی، در خصوص منع ازدواج فرد زرتشتی با مسلمان، دو سبب را ذکر می‌کند: الف. ترس از دست دادن پاکی آیینی خود، ب. ترس بزرگ‌تر، قرار گرفتن احتمالی در معرض تعالیم اسلامی. (چوکسی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲)

۲. تبلیغی نبودن آیین زرتشت، از دیگر شواهد جهانی نبودن آن است. ادیانی که رسالت آنها جهانی است، تبلیغ رکن مهم آن است. دیانت زرتشت دین تبلیغی نبوده است. (کریستن سن، ۱۳۷۲، ص ۳۶۳؛ فرای، ۱۳۷۵، ص ۴۲ و ۱۱۷) زردشتیان هیچ گاه نسبت به جذب دیگران به دین خود نظر خوبی نداشتند و برای ترویج آن تلاشی نمی‌کردند. (ژینیو، ۱۳۸۰، ج ۲۰-۲۱، ص ۲۴۰؛ دوشن گیمن، ۱۳۷۵، ص ۱۷) در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی انجمن سنتی بزرگان زرتشتی، در مقابل دعوت دیگران یا پذیرش پیروان ادیان دیگر به کیش زردشتی، سرسختانه ایستادند و آنان را در طبقه خود نمی‌پذیرفتند. (بویس، ۱۳۹۱، ص ۲۲۸)

بنابر نوشته دهالا، پژوهشگر زرتشتی، پارسیان در گذشته و حال، برنامه‌ای برای پذیرش دیگران به دین خود یا حتی تبلیغ و ارشاد غیر زرتشتی برنیامده‌اند. (دهالا، ۱۳۷۷، ص ۲۳۱. نیز رک: نیکنام، ۱۳۹۹، ص ۳۱۳-۳۱۴؛ گئر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹) میستری، موبد پارسی، تصریح می‌کند که در آیین زرتشت دعوت به دین خود وجود ندارد و هیچ گاه مردم را به گرایش به دین خودمان دعوت نمی‌کنیم. (مستری، ۱۳۸۷)

یاماوچی در کتاب *ایران و کتاب مقدس می‌نویسد:*

زرتشتیان امروزی اعتقادی به تبلیغ دین خود ندارند. موبدانشان آیین تشریف برای فرزندان که یکی از والدینشان غیرزرتشتی است خودداری می‌کند... فیروز کوتوال، یکی از پژوهشگران پارسی چنین می‌گوید: تا آنجا که به اعمال دین زرتشتی مربوط می‌شود تنها پارسیان هند و ایرانیان از سنت بومی لازم برای زرتشتی‌گری برخوردارند. بدین ترتیب اگرچه هرکسی می‌تواند از اصول اخلاقی سودمند این دین پیروی کند اما تنها افراد این گروه نژادی می‌توانند بخشی از پیروان رسمی دین زرتشت را تشکیل دهند. (یاماوچی، ۱۳۸۳، ص ۴۳۷)

دین زرتشتی همانند یهودیت یک دین ملی و قومی بوده است. (زئر، ۱۳۸۹، ص ۳۱۸؛ علی، ۱۹۷۶، ج ۶، ص ۶۹۴) یهودیت دین تبلیغی نیست، زیرا افزایش پیروان یهودیان برای یهودیت ارزشمند نیست. (توفیقی، ۱۳۸۵، ص ۱۵) وجه نام‌گذاری «بهدین» از سوی زرتشتیان بر آیین خود، بدان معناست که خویش را مانند یهود، قوم برگزیده می‌خوانند

و برای گسترش مذهب خود تبلیغ را روا نمی‌شمارند؛ زیرا زرتشتی شدن دیگران - که خون زرتشتی در رگ‌هایشان جریان ندارد - امری بی‌معناست. (امینی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۰)

این رویکرد قومی - نژادی بودن آیین زرتشت سبب شده است که روحانیون زرتشتی دغدغه نجات و رستگاری تمام انسان‌ها را نداشتند. (کریستن سن، ۱۳۷۲، ص ۳۶۳)

این رویکرد با قومی و نژادی بودن یک دین سازگار است و گرنه دین جهانی برای رستگاری تمام بشر برنامه دارد.

تحلیل و بررسی جهانی بودن رسالت زرتشت

در بررسی دیدگاه موافقان جهانی بودن و شواهد نقلی بر آن، ملاحظاتی وجود دارد که به شرح زیر است:

۱. در بند سوم از هات ۳۱ گاهان، تعبیر «همه مردمان» و «همه مردم» داشت که احتمال جهانی بودن رسالت زرتشت داشت. در بررسی این متن، توجه به این نکته لازم است که این تعبیر اگر با قرائن دیگر حمایت شوند، بر جهانی بودن آیین زرتشت دلالت می‌کنند؛ ولی با توجه به مطالبی که گذشت، شواهد و قرائن دیگر آن را تقویت نمی‌کند. پس این تعبیر می‌تواند اشاره به همه مردمان یک قوم و نژاد مانند آریاییان، یا تمام افراد ساکن در سرزمینی که زرتشت دین خود را تبلیغ کرده، باشد. مطلب کتاب دینکرد نیز می‌رساند که آیین زرتشت فقط در میان ایرانیان بوده است. به این دلیل که پرسشگر چنین می‌پرسد که «چرا ایزد دین را فقط به ایران‌شهر فرستاد و دیگر مردمان را به آموزش دیوان رها کرد؟» و این نشان از این است که در آن زمان، این دین فقط در ایران بوده است. نگاهی اجمالی به تاریخ نیز همین را اثبات می‌کند که این آیین فراتر از ایران نرفته است و اگر در هند نیز کسانی وجود دارند، ایرانیانی هستند که به آنجا رفته‌اند، نه اینکه هندوان به آن گرویده باشند. پاسخ نیز نمی‌رساند که این آیین، جهانی است، به این دلیل که به اصل دین اشاره دارد، نه اینکه دین زرتشت را برای همه جهان و تمام اقوام و نژادها فرستاده باشد. بدیهی است که امور فطری، راست‌اندیشی و راست‌گفتاری در همه اقوام و نژادها و تمام ادیان جهان وجود دارد و اینکه خداوند آنها را در تمام جهان به صورت خالص یا مختلط قرار داده است، دلیل بر جهانی بودن آیین زرتشت نیست.

بنابراین وجود دو فقره‌ای که احتمال جهانی بودن آیین زرتشت را می‌رساند، کافی نیست و شواهد دیگر باید آن را حمایت کنند که چنین چیزی وجود ندارد بلکه شواهد عکس آن وجود دارد که گذشت.

۲. مری بویس و دیگر موافقان ادعای جهانی بودن رسالت زرتشت، هیچ گونه سند نقلی یا برهان عقلی برای این ادعا ذکر نکرده‌اند. بدیهی است صرف ادعای مطلبی، دلیل بر صحت آن نمی‌شود، افزون بر اینکه تبلیغ قومی و نژادی دین زرتشت توسط مبلغان این دین - که بویس به آن تصریح کرده است - نشان از عدم جهانی بودن این آیین دارد.

۳. مری بویس مدعی بود «مفاهیم موجود در آموزه‌های زردشت کاملاً جهانی و همگانی است و امر و فرمان اخلاقی اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک بدون شک زمان‌مند نیست». در بررسی این ادعا می‌توان گفت گرچه امر و فرمان اخلاقی اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک مختص به زمان خاصی نیست و همه زمان‌ها را در برمی‌گیرد؛ ولی مطلبی که غفلت شده اینکه تمام ابعاد یک دین جهانی در این امور اخلاقی که بیشتر انسان‌ها به صورت فطری درک می‌کنند، خلاصه نمی‌شود. دین جهانی می‌بایست برای رشد همه ابعاد وجودی انسان در حوزه باور، رفتار و افعال برنامه داشته باشد. صرف تأکید بر مسائل اخلاقی، سبب جهانی بودن نمی‌شود. این نقد به سایر موافقان دیدگاه جهانی بودن رسالت زرتشت که از راه توصیه زرتشت به اخلاق و به سه شعار منسوب به وی، پای فشاری می‌کنند، نیز وارد است.

۴. در بررسی سخنان فرهنگ مهر باید گفت در گاهان منسوب به زرتشت، سخنی از فقه و شریعت و قانون نیامده است و اینکه گفته شد «گفتارها و اندرزهای گاتها کلی، مطلق و ابدی است و در آن هیچ امری، موردی نیست»، نشانه برتری گاهان نبوده بلکه نبود شریعت در گاهان، برای آیینی که ادعای جهانی بودن دارد، اشکالات جدی به دنبال دارد. (برای آگاهی بیشتر، رک: حاجتی شورکی، ۱۳۹۹، ص ۲۲۳)

دیدگاه برگزیده

بحث جهانی بودن یک دین، مقوله‌ای عقلی نیست که بتوان با براهین عقلی آن را نفی یا اثبات کرد. تنها راه کشف جهانی بودن یک دین، نقل است. با بررسی متون دینی زرتشتیان، این نتیجه بدست آمد که در این متون، هیچ شاهد قطعی بر جهانی بودن آیین زرتشت، یافت نشد. در ضمن، دیدگاه موافقان جهانی بودن آیین زرتشت، نیز رد

شد. اکنون نوبت آن فرا رسیده است که نظریه برگزیده در این مسأله، در ذیل ارائه شود. برای نیل به دیدگاه برگزیده، جدای از شواهد پیشین، از منابع اسلامی یعنی قرآن و روایات برای کشف جهانی یا قومی بودن آیین زرتشت، استفاده خواهد شد.

۱. مشهور این است که زرتشتیان همان مجوس بوده (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۵۸) که در قرآن تنها یک بار از آنان نام برده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالتَّنَازِرِيَّ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» مسلماً کسانی که ایمان آورده‌اند، و یهود و صابئان [ستاره‌پرستان] و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آنان روز قیامت داوری می‌کند؛ (و حق را از باطل جدا می‌سازد؛) خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است. (حج: ۱۷)

۲. بنابر احادیث، مجوس یا زرتشتیان، پیامبر و کتاب آسمانی داشتند- چنانکه برخی از این احادیث خواهد آمد- ولی اینکه پیامبر اینان، همان زرتشت باشد، قطعی نیست. آنچه می‌توان با قاطعیت بیان کرد اینکه زرتشتیان باستان، پیامبری داشتند. گفتنی است این شک و تردید، مختص احادیث اسلامی نبوده، در مباحث درون دینی زرتشتی و دیدگاه پژوهشگران نیز این شک و ابهام درباره پیامبری زرتشت، مشاهده می‌شود. (ر.ک: حاجتی شورکی، ۱۳۹۹، ص ۳۴) از مجموعه پیامبران که بنابر نقلی، ۱۲۴ هزار پیامبر برای بشریت، مبعوث شدند (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۲۳۶؛ همو، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۳۰-۳۲ و ۵۸)، نام حدود ۲۵ نفر از آنان در قرآن ذکر شده است. بسیاری از پیامبران، نام و قصه آنان در قرآن و نیز روایات ذکر نشده است. خدای متعال در سوره نساء خطاب به پیامبر می‌فرماید: «وَرَسُولًا قَدْ قَصَصْنَا هُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرَسُولًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَبِالْبَيِّنَاتِ كَفَرْتُمْ فَسَخَّرْنَاكُمْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلِكُمْ لَعْنَةً وَرَجُلًا اتَّخَذْتُمُ الْمُشْرِكِينَ حُرًّا مَلَائِكَةً بَاطِلًا مِمَّا كَفَرْتُمْ فَسَخَّرْنَاكُمْ لَهُمْ» (نساء: ۱۶۴) بنابراین دیدگاه برگزیده به رسالت پیامبر مجوس یا همان زرتشتیان می‌پردازد، خواه پیامبر آنان در واقع، زرتشت باشد یا اشخاصی دیگر.

۳. دانشمندان اتفاق نظر دارند که همه انبیا رسالت جهانی نداشته‌اند. دست‌کم رسالت برخی پیامبران، محدود به یک قوم خاصی بوده است. جهانی نبودن رسالت جمعی از پیامبران، بدین معنا نیست که مردم در تأیید یا تکذیب آنان مختارند، بلکه مردم موظفند به همه انبیا ایمان بیاورند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۴۰۹)

۴. جهانی بودن دین یا رسالت پیامبر نشانه‌هایی دارد از جمله تبلیغ و دعوت به آن دین در میان سایر ملل و امتهای جهان. در خصوص دین اسلام این امر از زمان پیامبر اسلام شروع شد و تا به امروز ادامه دارد. نامه‌نگاری‌های پیامبر اسلام به سران حکومت‌های بزرگ وقت خود مانند ایران و روم، کاملاً جهان شمولی بودن آیین اسلام را به نمایش می‌گذارد. اسلام از سرزمین خودش خارج شد و افق‌های دیگری را گشود و امروزه مشاهده می‌شود که در آسیا، آفریقا، اروپا، آمریکا و در میان نژادهای مختلف دنیا پیروانی دارد. برخی دانشمندان تصریح کرده‌اند که در میان ادیان الهی، تنها دین اسلام جهانی بوده است و دعوت سایر انبیا متوجه قوم خودشان بوده است. (سبحانی، ۱۳۷۰، ج ۱۰، ص ۲۵۰؛ توفیقی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۱) شعاع رسالت پیامبر اسلام، تمام منطقه بشریت را فرا می‌گیرد به طوری که هیچ فردی، اعم از مؤمن و کافر، از شمول این حکم مستثنا نیست. (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص ۷۲) تمام منطقه بشریت در رسالت جهانی، بدان معنا نیست که خود آن پیامبر همه جا حضور دارد، بلکه او جانشینانی دارد؛ چنانکه پیامبر فقط در مدینه و مکه حضور داشتند و مناطق دیگر را نمایندگان او هدایت می‌کردند. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۸، ص ۴۴۹)

۵. گذشت که دین زرتشت، دین تبلیغی نبوده است و انگیزه گسترش و نشر آن در میان سایر ملل و اقوام جهان را نداشته است. هیچ گزارش یا نقل تاریخی یافت نشد که یک عرب یا یک غیر آریایی زرتشتی شده باشد. حتی در عصر ساسانی که آیین زرتشت، دین رسمی کشور ایران و مورد حمایت پادشاهان ساسانی بود، نیز موردی یافت نشد که شخص غیر آریایی، زرتشتی شده باشد.

به گفته شهید مطهری «دین زرتشت اساساً داعیه جهانی نداشت و تنها وابسته به آریا و دستگاه شاهنشاهی و این حرفها بود. این موبدها یک حصار به دور ایران کشیده بودند نه می‌گذاشتند چیزی از آنجا بیرون برود و نه چیزی از بیرون بیاید». (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۸۰۵) و اگر زرتشتیانی در هند هستند که به نام پارسیان معروفند، اینان هندی نبوده، بلکه زرتشتیان ایرانی بوده که از ایران به هند مهاجرت کردند. (همو، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۱۷۱) همچنانکه تعدادی از زرتشتیان به آمریکا، انگلستان، کانادا و کشورهای دیگر مهاجرت کردند. شمار زرتشتیان جهان به کمتر از دویست هزار تن می‌رسد. (ملتون، ۱۳۹۳، ص ۳۰۸)

۶. مشهور و قطعی است که زرتشت، بر فرض اثبات نبوت وی، پیامبر خاتم نبوده است تا گفته شود که آیین او جهانی بوده است. خاتمیت با جهانی بودن همراه است. اگر

آوردنده دینی، آخرین پیامبر باشد در این صورت دین و رسالت او جهانی خواهد بود و تمام ممالک و سرزمین‌ها را در برمی‌گیرد؛ زیرا فرض این است که آخرین پیامبر است و پس از او، پیامبری برای منطقه یا قومی مبعوث نخواهد شد. موبد نیکنام می‌نویسد: «زرتشت نخستین پیام آوری بوده است که به خداوندی یگانه در هستی پی برده، درک و رسیدن آن را به مرتوگان (= بشر) سفارش کرده است ... پس از اینکه زرتشت ایرانی چنین خدایی را برای مرتوگان در جهان شناسایی کرد، پیامبرانی نیز پس از وی خود را فرستاده (رسول)، پیامبر و پیام‌رسان خداوندی یکتا بیان کردند که موجودی یگانه است». (نیکنام، ۱۳۹۹، ص ۳۸۵) ناگفته نماند این سخن نیکنام که زرتشت، نخستین پیام آور بوده است، صرف ادعاست که پشتوانه نقلی محکم و متقن ندارد.

۷. از نگاه تاریخی، هیچ شاهی بر جهانی بودن آیین زرتشت یافت نشد، بلکه شواهد برخلاف آن وجود دارد. با ملاحظه منابع اسلامی یعنی قرآن و احادیث فهمیده می‌شود که در قرآن نام زرتشت نیامده است و هیچ‌گونه قرینه یا شاهی بر نفی یا اثبات نبوت زرتشت نیست. احادیث درباره پیامبری یا عدم پیامبری زرتشت، ساکت است. از احادیث متعدد معصومان علیهم‌السلام این نکته قابل برداشت است که رسالت پیامبر زرتشتیان، جهانی نبوده است که دو نمونه حدیثی در ذیل ذکر می‌شود:

در بخشی از روایت طولانی از حضرت علی علیه‌السلام نقل شده است:

... ثُمَّ قَالَ عَ سَلَوْنِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَقَامَ إِلَيْهِ الْأَشْعَثُ بْنُ قَيْسٍ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَيْفَ يُوْخَذُ مِنَ الْمَجُوسِ الْجَزِيَّةُ وَ لَمْ يُنْزَلْ عَلَيْهِمْ كِتَابٌ وَ لَمْ يُبْعَثْ إِلَيْهِمْ نَبِيٌّ قَالَ بَلَى يَا أَشْعَثُ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ كِتَابًا وَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۰۶؛ همو، ۱۳۷۶، ص ۳۴۳؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۳۵)

سائل یعنی اشعث بن قیس از امام علی سوال می‌کند چگونه از مجوس (زرتشتیان) جزیه گرفته می‌شود در حالی که بر آنها کتابی نازل نشده و پیامبری به سوی آنها مبعوث نشده است. حضرت در جواب می‌فرماید: خداوند کتابی را بر مجوس نازل کرد و پیامبری به سوی ایشان فرستاد. از سوال سائل و جواب امام فهمیده می‌شود که پیامبر برای خصوص زرتشتیان فرستاده شده است.

روایت دیگر در کتاب کافی آمده است که رسالت قومی و منطقه‌ای پیامبر زرتشتیان از آن برداشت می‌شود:

... سئلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمَجُوسِ أَمْ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ فَقَالَ نَعَمْ أَمَا بَلَغَكَ كِتَابُ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ أَنْ أَسْلَمُوا وَإِلَّا نَابَذْتُكُمْ بِحَرْبٍ فَكَتَبُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص - أَنْ خُذْ مِنَّا الْجِزْيَةَ وَدَعْنَا عَلَى عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ فَكَتَبَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ ص أَنِّي لَسْتُ أَخْذُ الْجِزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَكَتَبُوا إِلَيْهِ يُرِيدُونَ بِذَلِكَ تَكْذِيبَهُ زَعَمْتَ أَنَّكَ لَا تَأْخُذُ الْجِزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ثُمَّ أَخَذْتَ الْجِزْيَةَ مِنْ مَجُوسٍ هَجَرَ فَكَتَبَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ ص أَنْ الْمَجُوسَ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ فَقَتَلُوهُ وَكِتَابٌ أَحْرَقُوهُ أَتَاهُمْ نَبِيُّهُمْ بِكِتَابِهِمْ فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ جِلْدٍ ثَوْرٍ. (كلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۶۷)

از امام صادق علیه السلام درباره مجوس (زرتشتیان) سؤال شد که آیا آنان پیامبری داشتند؟ امام علیه السلام فرمود: آری، مگر داستان نامه‌ای را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای اهل مکه نوشت نمی‌دانی؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن نامه نوشت: ای اهل مکه! یا مسلمان شوید و یا این که آماده جنگ باشید. سران مکه برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نوشتند: از ما (مانند اهل کتاب) جزیه بگیر و ما را با بتهایمان رها کن. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان نوشت: من جز از اهل کتاب جزیه نمی‌گیرم. کافران مکه برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نوشتند و می‌خواستند با این کار پیامبر را دروغگو معرفی کنند: تو خودت می‌گویی که جز از اهل کتاب جزیه نمی‌گیری، آن وقت از مجوس «هجر» جزیه می‌گیری؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای آنان نوشت: مجوس (زرتشتیان) را پیامبری بود که او را کشتند و کتابی داشت که آن را سوزانند، پیامبرشان کتابشان را در دوازده هزار پوست گاو برای آنان آورد. از حدیث فوق فهمیده می‌شود که پیامبر الهی برای قوم مجوس (زرتشتیان) به رسالت مبعوث شده است؛ همان گونه که پیامبرانی برای قوم بنی اسرائیل مبعوث شدند.

نتیجه‌گیری

نتیجه مباحث پیشین، در ضمن چند بند خلاصه می‌شود:

۱. مراد از جهانی بودن در این نوشتار، ضرورت ابلاغ وحی و رسالت پیامبر برای تمام بشریت است که در مقابل آن، پیامبری است که رسالتش مختص به قوم و نژادی خاص است؛

۲. دو دیدگاه کلی در خصوص قومی یا جهانی بودن آیین زرتشت، از منظر متون دینی و دیدگاه پژوهشگران، ارائه شد؛
۳. دیدگاه نخست به جهانی بودن رسالت زرتشت اختصاص دارد. دو شاهد از متون دینی زرتشتی، بر این دیدگاه اقامه و سپس دیدگاه موافقان جهانی بودن رسالت زرتشت، ذکر و بررسی شد؛
۴. دیدگاه دوم، یعنی قومی- نژادی بودن آیین زرتشت، شواهد بیشتر و متقن‌تری نسبت به دیدگاه نخست دارد. نکته جالب اینکه، بیشتر این شواهد از کلام و نوشته‌های موبدان و نویسندگان زرتشتی استفاده شد؛ از این‌رو از منظر درون دینی زرتشتی، قومی بودن رسالت پیامبر زرتشتیان تقویت می‌شود؛
۵. این مسأله از منظر منابع اسلامی نیز پیگیری شد و این نتیجه مهم را به دنبال داشت که منابع اسلامی نیز در تأیید قومی- نژادی بودن رسالت پیامبر زرتشتیان است.
۶. وجود پیامبر و کتاب آسمانی برای مجوس یا همان زرتشتیان باستان، از منظر احادیث، قابل انکار نیست؛ ولی نکته قابل توجه اینکه از منظر منابع اسلامی، پیامبری یا عدم پیامبری زرتشت، در بوته ابهام و تردید است؛
۷. با کمک مجموع مستندات و شواهد درون دینی زرتشتی، اسناد تاریخی و منابع اسلامی، این دیدگاه ارائه شد که رسالت پیامبر زرتشتیان، جهانی نبوده است، خواه آن پیامبر در واقع، زرتشت بوده است یا اشخاصی دیگر. دانستن نام پیامبر ایران باستان، موضوعیت و تأثیری در نظریه برگزیده ندارد. مهم آن است که برای زرتشتیان باستان، پیامبر الهی - یا پیامبران متعدد بر فرض اثبات- مبعوث شده است و رسالت این پیامبر، محدود به قوم و نژادی خاص بوده است، نه فراگیر و جهان شمول.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. اوستا، ترجمه جلیل دوستخواه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، *الامالی*، چ ششم، تهران، کتابچی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق)، *اتوحدید*، قم، جامعه مدرسین.
۶. آذرگشسب، فیروز، (۱۳۸۴)، *گات‌ها سرودهای زرتشت*، چ سوم، تهران، فروهر.
۷. آذرگشسب، فیروز، (۱۳۸۴)، *گات‌ها سرودهای زرتشت*، چ سوم، تهران، فروهر.
۸. آشتیانی، سیدجلال الدین، (۱۳۷۱)، *زرتشت (مزدیسنا و حکومت)*، چ ششم، بی جا، شرکت سهامی انتشار.
۹. آموزگار، ژاله (مترجم)، (۱۳۸۶)، *دینکرد پنجم*، تهران، معین.
۱۰. امینی، تورج، (۱۳۸۰)، *اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
۱۱. بویس، مری، (۱۳۷۷)، *چکیده تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، صفعلی‌شاه.
۱۲. بویس، مری، (۱۳۹۱)، *زردشتیان: باورها و آداب دینی آن‌ها*، ترجمه عسکر بهرامی، چ دوازدهم، تهران، ققنوس.
۱۳. بویس، مری، (۱۳۹۳)، *منابع مکتوب دین زردشتی*، ترجمه شیما جعفری دهقی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
۱۴. توفیقی، حسین، (۱۳۷۹)، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران، سمت / طه، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۵. توفیقی، حسین، (۱۳۸۵)، *وحی، زبان مقدس هزاره‌ها*، تهران، موسسه تحقیقات توسعه علوم.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۶)، *فطرت در قرآن*، تحقیق و تنظیم محمدرضا مصطفی‌پور، قم، اسراء.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵)، *تسنیم*، تحقیق و تنظیم حسین اشرفی و سعید بندعلی، قم، اسراء.
۱۸. چوکسی، جمشید کرشاسپ، (۱۳۸۱)، *ستیز و سازش: زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی*، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران، ققنوس.
۱۹. حاجتی شورکی، سیدمحمد، (۱۳۹۹)، *شایست و ناشایست دین زرتشت*، تهران، تراث.
۲۰. خورشیدیان، اردشیر، (۱۳۸۶)، *پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان*، چ دوم، تهران، فروهر.
۲۱. دوشن گیمن، ژاک، (۱۳۷۵)، *دین ایران باستان*، ترجمه رؤیا منجم، تهران، فکرروز.
۲۲. دهالا، مانک جی نوشیروان جی، (۱۳۷۷)، *خدانشناسی زرتشتی از باستانی‌ترین زمان تاکنون*، ترجمه رستم شهزادی، تهران، فروهر.
۲۳. رضوی، سیدمحمد طاهر، (۱۹۳۶م)، *پارسیان اهل کتابند: تحقیق مختصری در آئین زرتشت نظر به اصول عقاید تورات و انجیل و قرآن مجید*، ترجمه م.ع. مازندی، بمئی (هند): انجمن ایران لیگ.
۲۴. زرنر، آر. سی، (۱۳۸۹)، «دین زرتشتی»، در: *دانشنامه فشرده ادیان زنده*، ترجمه نزهت صفای اصفهانی، تهران، مرکز.

۲۵. ژینیو، فیلیپ، (۱۳۸۰)، «هویت زردشتی و مسئله تغییر دین»، در: چکیده‌های ایران شناسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی: انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران.
۲۶. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۰)، منشور جاوید: پیامون مصلحان آسمانی، قم، موسسه امام صادق.
۲۷. شاهرخ، کیخسرو، (۱۳۸۰)، زرتشت پیامبری که از نو باید شناخت (فروغ مزدیسنی)، تهران، جامی.
۲۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، تصحیح حسین الاعلمی، بیروت، اعلمی.
۲۹. علی، جواد، (۱۹۷۶)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین؛ بغداد: مکتبه النهضه.
۳۰. فرای، ریچارد نلسون، (۱۳۷۵)، عصر زرین فرهنگ ایران باستان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چ سوم، تهران، سروش.
۳۱. کریستن سن، آرتور، (۱۳۷۲)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چ هشتم، تهران، دنیای کتاب.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۳۳. گئر، جوزف، (۱۳۸۷)، سرگذشت دین‌های بزرگ جهان، ترجمه ایرج پزشک‌نیا، تهران، جامی.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، تصحیح جمعی از محققان، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۵. مزداپور، کتابون و همکاران، (۱۳۹۴)، ادیان و مذاهب در ایران باستان، تهران، سمت.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۷)، راه و راهنما شناسی، تحقیق مصطفی کریمی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره».
۳۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، مجموعه آثار، ج ۱۳، تهران، صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸)، مجموعه آثار، ج ۱۶، تهران، صدرا.
۳۸. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، قم، المؤتمر العالمی لالیة الشیخ المفید.
۳۹. ملتون، جی گوردن و مارتین باثومن، (۱۳۹۳)، ادیان در آئینه آمار، ترجمه محمد آقاجانی، قم، ادیان.
۴۰. مهر، فرهنگ، (۱۳۷۴)، دیدی نواز دینی کهن، چ سوم، تهران، جامی.
۴۱. میستری، خجسته، (۱۳۸۷)، «زرتشتیان پارسی، گفت‌وگو با موبد خجسته میستری»، هفت آسمان، ش ۳۹، ص ۱۹-۴۴.
۴۲. نیکنام، کورش، (۱۳۹۹)، زرتشت و مزدیسنان، تهران، هیرمبا.
۴۳. هینلز، جان راسل، (۱۳۸۸)، «فلسفه معاصر زرتشتی»، در: جستاری در فلسفه زرتشتی، ترجمه نیلوفر السادات نواب، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴۴. هینلز، جان راسل، (۱۳۹۳)، آیین زردشت و پارسیان، ترجمه سعید علی‌محمدی، قم، نشر ادیان.
۴۵. یاماوچی، ادوین. م، (۱۳۸۳)، ایران و کتاب مقدس، ترجمه رامین بسطامی، بی‌جا، بی‌نا.